



قضا دگر نشود ور هزار ناله و آه / به کر یا به شکایت بر آید از دهنی

فرشته ای که وکیل است بر خزاین باد / چه غم خورد که بمیرد چراغ پیروزی!

-سعدی

بیست سال پیش (سوم خرداد ماه سال ۱۳۶۱ خورشیدی) خرمشهر سرانجام پس از ۵۷۸ روز اشغال بدست نیروهای ارتش شاهنشاهی پیشین] و به یاری نیروهای مردمی و بومی آزاد و آن شهر همیشه ایرانی باری دیگر به آغوش مام میهن بازگردانده شد.

این آزادسازی، بدون ارتشپانی که در زمان شاه فقید در بهترین دانشگاههای نظامی ایران و کشورهای غربی دوره های نظامی را دیده بودند و با دراختیار داشتن پیشرفتهترین و مدرنترین تجهیزات و ابزار جنگی زمان خود را که نظام شاهنشاهی خریداری کرده بود، و با فدا سازی جان و خون بیش از شش هزار تن ایرانی آزادمش و بجای گذاردن بیست هزار زخمی غیرممکن بود که انجام شود، ولی مزدور و دست نشانده [انگلستان "السید روح الله الموسوی الخمینی"، [1]] با وقاحتی که ویژه روضه خوانان می باشد با پایمال کردن خودن جانباختگان میهن، پیاپی خدا نوشت و اعلام داشت که " خرمشهر را خدا آزاد کرد!"

شوربختانه از آن زمان تا امروز مزدوران، هوادارن و وابستگان رژیم و نیز برخی از هم میهنانمانی که دارای خو و سرشت مذهبی می باشند، تحت تاثیر دستگاه مغزشویی رژیم قرار گرفته و بدون اندیشیدن این ادعای نابخردانه و مضحکانه خمینی را پذیرفته و همواره طوطی وار تکرار می نمایند. از آنروی، این جستار دقیقاً برای بیدارساختن این عده فراهم شده است تا شاید از خواب غفلت و خودزنی بیدار شده و متوجه شوند که "خرمشهر را خون ایرانی آزاد کرد".

خرمشهر را خون ایرانی آزاد کرد

گفته □ "خدا خرمشهر را آزاد کرد" را می توان نادانه ترین، نابخردانه ترین و مضحکانه ترین گفته در تاریخ ایران و کل بشریت خواند. السید روح الله خمینی با این جمله، همانگونه که اسلام را در سال ۵۷ عملاً بدستور اربابان بیگانه خود سیاسی ساخت،^{[[2]]} نیز در سال ۶۱ 'خداوند' را هم سیاسی کرد و او بدستور اربابان بیگانه اش، جنگی بیساخت که ایران و ایرانی هنوز با جان و پوست و هستی و مال خود بهای آن را می پردازد.^{[[3]]} ولی چرا ادعای "خدا خرمشهر را آزاد کرد" نه تنها نادرست است، بلکه توهین و ناسزاگویی به ملت ایران و حتی پروردگار است، زیرا:

۱ - روح الله خمینی و صدام حسین، هر دو مدعی بودند که جنگ میان دو کشور ایران و عراق، "جنگ با کفار و برای اسلام" است.^{[[5]]} این نخستین اشکال این گفته می باشد، زیرا که اکثریت هر دو ملت ایران و عراق، مسلمان و پیرو فرقه تشیع می باشند. بنابراین جنگ هشت ساله میان "اسلام و کفر" و یا "مسلمانان با کفار" نبوده است که هر دوی آنان ادعا می کردند. دو دیگر، عراق یک کشور مسلمان و عراقی ها ملت مسلمان بشمار می روند، در نتیجه، قاعدتاً و طبیعتاً نمی توانسته اند جزو کفار بشمار روند که خداوند به یاری ایرانیان مسلمانان بشتابد تا شهر خود را از اشغال کفار آزاد نماید؛

۲ - بایستی از این خود پرسیده شود که اگر آزادی خرمشهر کار خدا بوده است چرا آن زمانی که عراقی ها وارد خرمشهر شدند و جنایت و پلیدی نبود که بر سر ایرانی نیاورند، از کشتار، شکنجه و تجاوز جنسی به دختران، زنان و حتی پسران نوجوان^{[[6]]} گرفته، تا تاراج، چپاول و نابودی آن شهر، آن زمان خدای خمینی کجا بود که این همه جنایات را دید ولی خاموشی برگزید؟ آیا خدا به تماشای آن همه فجایع انسانی و جنایاتی که رخ داده بود نشست و کاری نکرد، ولی پس از ۵۷۸ روز برای آزادسازی شهری که حتی سگ هم دیگر در آن نمی زیست و آن شهر زیبا مبدل به مخروبه و "خونین شهر" شده بود را تصمیم به آزادیش میگیرد؟

۳ - آیا خدا بود که به مصطفی چمران گفت تا تیمسار سپهبد عیسی بقراط جعفریان، فرمانده لشکر زرهی ۹۲ اهواز را از پشت سر گلوله زده و بقتل رساند تا لشکر زرهی ۹۲ اهواز از هم پاشیده و بزرگترین سد در راه اشغال عراقی ها درهم شکسته شود؟

۴ - آیا خدا بود که به خمینی و اراذل و اوباش دستور داد تا "تیماسر تیپ جهانگیر اسفندیاری"، فرمانده تیپ سوم زرهی، که داری دکترای پدافند از دانشگاه جنگ و بگفته دافوس یکی از بهترین طراحان پدافند زرهی در جهان بود را اعدام کند، تا صدام حسینی که قصد حمله به ایران را داشت را به شادی و وجد درآورد؟

۵ - آیا خدا بود که به مصطفی چمران و محمد جهان آرا گفت، تا خدمه تانک های لشکر ۹۲ زرهی اهواز، که در زمان خود بزرگترین لشکر زرهی آسیای غربی بشمار می رفت را به بهانه □ آنکه "غیربومی" بودن اخراج و خانه نشین کنند، تا سد دفاعی ورود به استان خوزستان شکسته شود و راه را برای اشغال عراقی ها باز گردد؟ نتیجه آن اخراج ها آن شد که در زمان یورش عراقی ها به خرمشهر، از ۴۸۵ تانک چیفتن و ۸۰ تانک اسکورپیون که زمان جنگ پیشرفته ترین و بهترین تانک های جهان بشمار می رفتند، تنها ۴۰ تانک به جنگ ارتش صدام و عراقی های مسلمان رفت. بگفته ای ساده تر، محمد جهان آرا و مصطفی چمران که امروز اُمت (نه ملت ایران) زودباور و ساده لوح از آن دو "وطنفروش و خائن" بُت و قهرمان ساختهاند، در حقیقت کسانی بودند که کلید اشغال خرمشهر را به صدام حسین و غریبان اهدا نمودند.

جای دارد تا اشاره شود، برای آزادسازی خرمشهر، رژیم وادار شد تا دست بدامان همان خدمه های اخراجی یا بگفته □ محمد جهان آرا "راننده های طاغوتی"، که هر کدام از آنان دو سال در انگلستان دوره های پیشرفته نظامی دیده بودند شود و اگر بخاطر وطنپرستیاشان بازنگشته بودند تا تانک های پیچیده □ چیفتن و اسکورپیون را بکار اندازند و خرمشهر را به یاری لشکر ۲۱ پیاده آذربایجان (گارد جاویدان شاهنشاهی پیشین)، لشکر ۷۷ پیاده خراسان، لشکر ۲۳ تکاور (تیپ ۲۳ نیروهای ویژه شاهنشاهی پیشین)، لشکر ۱۶ زرهی قزوین، لشکر ۹۲ زرهی خوزستان، تیپ ۶۵ نیروهای ویژه □ هوابرد (بخشی از تیپ ۲۳ نیروهای ویژه شاهنشاهی پیشین)، تیپ ۵۵ هوابرد شیراز (کلاه سبزا)، تیپ ۳۷ زرهی شیراز (کلاه سبزا)، گردان تکاوران دریایی بوشهر، هوانیروز و نیروی هوایی، با تجهیزاتی که شاهنشاه فقید خریداری کرده بود را آزادسازند، هنوز خرمشهر در اشغال بیگانه بود و امروز بخشی از خاک عراق یا یک کشور نوپای عربی بود و "محمره" اش می خواندند.

۵ - آیا خدا خرمشهری که تا پیش از جنگ بزرگترین گمرک آسیای غربی را در خود جای داشت و چهره اش در خرمی و شادی می زیست، با ۶ هزار کشته و ۲۰ هزار ایرانی زخمی آزاد کرد، تا پس از بیست سال هنوز مخروبه بجای ماند و ساکنانش در فقر و فلاکت و بینوایی به زندگی خود ادامه دهند؟ آی خدا بود که گفت، سرمایه های ملی را بجای بازسازی خرمشهر، سرازیر شکم لبنانی و سوریهای و فلسطینی کند؟ آیا خدا بود که گفتم بجایش غزه و شهرهای کربلا و نجف و کاظمین و و... متعلق به "سپاه کفار" را رژیم اسلامی آباد سازد؟

۶- آیا خدا بود که به خمینی گفت درخواست پایان جنگ، صلح و پرداخت غرامت را رد کند؟ زیرا که رژیم صدام ۲۸ روز پس از آزادسازی خرمشهر (۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۱) خواهان پایان جنگ و صلح شد و عربستان سعودی نیز پذیرفت تا مبلغ ۳۰۰ میلیارد دلار که عراقی ها ناتوان در پرداخت آن بودند بعنوان غرامت جنگی به ایران بپردازد. [7] اکنون آیا خدا بود که گفت تا جنگ را ادامه دهید چون "راه قدس از کربلا میگذرد؟" و ۷ سال بیشتر بدرزا کشیده شود تا بیش از ۱ میلیون کشته بیشتر از هر دو سو بجای بگذارد و در این میان کشورهای غربی از راه فروش اسلحه و مهمات به هر دو طرف جنگ، بیش از ۱.۹ تریلیون دلار سود برده [8] و کشورهايشان را با خون ایرانی فرنگستان بسازند؟

۷- آیا خدا بود که گفت جنگ و کشتار را ادامه دهید، تا هر دو کشور ایران و عراق که بزرگترین خطر برای موجودیت رژیم اسرائیل بشمار می رفتند را با خاک یکسان شوند تا خطر از سر اسرائیل دور گردد؟؛

۸- آیا خدا بود که گفت، همان عراقی ها که در زمان جنگ سپاه کفر خوانده می شدند و باصطلاح "رزمندگان برای اسلام جنگیدند" و "خدا در آزادی خرمشهر به رزمندگان اسلام یاری کرد" - ناگهان پس از اعدام صدام حسین، یک شبه مبدل به برادران "مسلمان" شوند و عراق کشور دوست و عزیزتر از جان برای ایرانی گردد؟؛

۸- آیا خدا بود که دستور داد، خمینی نه تنها از ۱ تریلیون دلار (۱۰۰۰ میلیارد دلار) خسارت جنگی که عراق می بایستی به ایران بپردازد چشم پوشی کند چونکه ارث پدریش بوده است؟ آیا خدا گفته است تا غرامت جنگی را از شکم و دهان ایرانی برباید و بخورد همان کافرین و دشمنان دیروزی سرازیر نماید؟

نه هم میهن سردرگم! بجای سنگ داغ برپیشانی چسباندن و واژه های تازی را از ته حلقوم خود بیرون کشاندن و "سیاسی سازی خدا" و وارد کردن نام پاکش در مسائل دنیوی و سواستفاده از نامش برای کشتار، شکنجه، تجاوز، دزدی، چپاول بیت المال و هزاران جنایت دیگر - کمی بیاندیشیم و آن زمان متوجه میشویم که خرمشهر را نادانی و ندانم کاری و همکاری مشی ایرانی (وطنفروش) بدستور لندن، واشینگتن و تل آویو، به خاک و خون کشانده شد^[۹] و سرانجام جان ها، خون ها، جانبازی، دلاوری و غیرت ایرانی بود که آزادش ساخت.

پایان سخن

پیش از دو دهه است که رژیم خونخوار، ایرانستیز و ایرانفروش اسلامی که دست نشانده بیگانگان است، بنام پروردگار پاک از هیچ جنایت و خیانتی به این کشور و ملت فروگذاری نکرده و ایران را در دو دهه گذشته همانند قصه های روضه اداره کرده است.

در نتیجه اگر کسی باور دارد که خداوند به سران رژیم گفته است که بایستی شکنجهگاه ها پیا و گورستان ها آباد گردند و هر کسی که سخن یا دم از آزادی بزند، باید بیدرتنگ بر او برچسب محارب با خدا زده شود و به چهار میخش کشانده و قلع و قمعش کنند تا ایران هر وزی که می گذارد ناتوانتر، خوارتر و گرسنه تر شد، پس باور کنید که "خرمشهر را هم خدا آزاد کرده" است. در غیر اینصورت، بدان که در آزادسازی خرمشهر جانها از دست رفت و خون های فراوانی بر زمین ریخته شد - چه ایرانی و چه عراقی که متجاوز بود و آفریدگار پاک مهربان است و پذیرای آن نیست که خون هیچ یک از بندگانش، چه دیندار و چه بیدین، چه ایرانی و چه تازی بر زمین ریخته شود. همچنین خداوند به همگی ما عقل و هوش و خرد را اعطا کرده است تا از آن بهره وری کرده و پیش از پذیرش و باور هر ادعایی، کمی اندیشه و پژوهش کنیم.

روان همه □ کشته شدگان جانبازان ایرانی در آزادسازی خرمشهر شاد و نامشان همیشه زنده و جاودان باد.

شاپو سورنپهلو

روز اسپندارمذ از ماه خرداد سال ۳۷۴۰ بهدینی

May 24, 2002

بازنویسی: ۲۳ ماه مه ۲۰۱۳ ترسایی

پی نوشته ها

1 - روح الله خمینی، نام خود را "السید روح الله الموسوی الخمینی" امضاء می کرد، که نشانگر افتخار ورزیدن و وفاداری او به نیاکان تازی خود بود، که شوربختانه بسیاری از ایرانیان، نه در گذشته و نه امروز متوجه وابستگی های فکری او نشده اند و در کام نادانی یک بیگانه تبار، وفادار به دشمنان ایرانی را رهبر خود می خوانند!

2 - طرح سیاسی سازی اسلام، یا در حقیقت بنیادگرایی اسلامی ساخت دو اسلامشناس انگلیسی به نام های میس ان لمبتون و برنارد لوئیس از اعضای برجسته ایتلیجنس سرویس بریتانیا می باشد که در مقاله ای جداگانه به معرفی این دو و ساخت "جمهوری دوازده امامی" (جمهوری اسلامی کنونی!) و نظریه "ولایت فقیه" که به دروغ به نام روح الله خمینی سگه زده شده است، خواهیم پرداخت.

3 - <http://www.samizdat.com/iraq.html>

4 - سورنپهلو، شاپور، " [بازخوانی تاریخ: جنگ هشت ساله خمینی-صدام؛ جنگی که یکسالش دفاع از میهن و هفت سالش نابودی ایران بود!](#)

5 – <http://forsvaret.dk/fak/documents/fak/publikationer/thomasfrankphd.pdf>

6 – به این سه کتاب مراجعه شود:

”جنا تهای ما در خرمشهر“، نوشته محمد بن ابراهیم

”خرمشهر در آتش“، نوشته سرهنگ رضا الصبری. برگردان پارسی: عبدالرسول رضاگاه

”مأموریت در خرمشهر“، نوشته سرهنگ فلاح الالامی، برگردان به پارسی: مهرداد آزاد

7 – Karsh, Efraim, "The Iran–Iraq War: 1980–1988", (25 April 2002). pp. 1–8, 12–16, 19–82.

8 – همان

Bulloch, K. & Morris, H., "The Gulf War: Its Origins, History and Consequences", London (1989).9 –

□